

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اصل وصیت نامه حقیر که در روز چهارم رجب سنه یک هزار و چهارصد و سی و پنج هجریه قمریه نوشته ام
در سند و قچه اطاق بیرونی محفوظ می باشد. و پس از اجابت و لئیک داعی حق باید توسط
دعوت محترم جناب سید محمد رضا میری مفتوح و به مفاد آن عمل گردد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اصل وصیت نامه حقیر که در روز چهارم رجب سنه یک هزار و چهارصد و سی و پنج هجریه قمریه
نوشته ام و در سند و قچه اطاق بیرونی محفوظ می باشد. و پس از اجابت و لئیک داعی حق باید
توسط وصی محترم جناب آقای سید محمد رضا میری مفتوح و به مفاد آن عمل گردد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَعَلَى رَسْمِ عَلِيِّ قَدْرِهِ الظَّاهِرِينَ دَلْفَةَ رَسْمِ عَلِيِّ أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

الْقَوْمِ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ وَالْأَبْنَاءُ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ إِنِّي
أَعْتَدُ الْمَغْرِبَ فِي دَارِ الدُّنْيَا إِنِّي أَسْتَعِينُكَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ،
وَإِنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَإِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدَ الْوَالِدِينَ
وَأَوْلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ وَمَا نَدَى الْمُتَّقِينَ الْمُجْتَمِعِينَ وَرَضِيَ رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَخَلِيفَتُهُ فِي أُمَّتِهِ دُونِي
كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ مِنْ بَعْدِهِ، وَإِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ
وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَبَنِي جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ سُلَيْمٍ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْمُسْلِمِينَ مِنْ عَلِيٍّ وَ
مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ الْقَائِمُ بِأَمْرِ اللَّهِ عَلَى رِسْمِ تَعَالَى فَزَجِبَ رَسْمُهُ مِنْهُمْ خَلْفًا وَاللَّهُ وَ
خَلْفًا وَرَسُولًا وَأَوْلِيًّا وَرَسُولًا وَرَحْمَةً الْكَلْبِ فِي سَبِيلِهِ وَأَسَانَةً فِي أَرْضِهِ وَسَمَاءَهُ وَعِيَالَهُ
عَلِيمًا وَمَعَادِنَ الْبَرَاءَةِ وَنِيَابِغَ حِكْمِهِ وَأَنْزَارَهُ صَلَوَاتَهُ وَسَلَامَهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْهِدُ إِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَ إِمَامَ الْمَوْحِدِينَ وَ قَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ وَصِيَّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ خَلِيفَتَهُ فِي أُمَّتِهِ وَ وَلِيَّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ مِنْ بَعْدِهِ. وَ أَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِ اللَّهِ، عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ وَ سَهَّلَ مِنْهَجَهُ، خَلَفَاءَ اللَّهِ وَ خُلَفَاءَ رَسُولِهِ وَ أَوْصِيَاءَ رَسُولِهِ وَ هِدَاةَ الْخَلْقِ فِي سَبِيلِهِ وَ أَمْنًا فِي أَرْضِهِ وَ سَمَائِهِ، وَ عِيَابُ عِلْمِهِ وَ مَعَادِنُ أَسْرَارِهِ وَ يَنَابِيعُ حِكْمِهِ وَ أَنْوَارِهِ، صَلَوَاتُهُ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

اللَّهُمَّ أَنْتَ الشَّاهِدُ بِأَنَّ هَؤُلَاءِ أُمَّتِي وَ سَادَتِي وَ قَادَتِي وَ أَوْلِيَائِي. بِهِمْ أَتَقَرَّبُ وَ أَتَشَفَّعُ إِلَى اللَّهِ، وَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرُّ إِلَيْكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ أَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ الْبَعْثَ حَقٌّ وَ الْحِسَابَ حَقٌّ، وَ الْقَدَرَ وَ الْمِيزَانَ حَقٌّ وَ أَنَّ الدِّينَ كَمَا وَصَفْتَ وَ أَنَّ الْإِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتَ وَ أَنَّ الْقَوْلَ كَمَا حَدَّثْتَ، وَ أَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلْتَ، وَ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، جَزَى اللَّهُ مُحَمَّدًا خَيْرَ الْجَزَاءِ وَ حَيًّا مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ بِالسَّلَامِ.

اللَّهُمَّ يَا عُدَّتِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَ صَاحِبِي عِنْدَ شِدَّتِي وَ يَا وَلِيَّ نِعْمَتِي؛ إِلَهِي وَ إِلَهُ آبَائِي، لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا! فَإِنَّكَ إِنْ تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي، أَقْرَبُ مِنَ الشَّرِّ وَ أَبْعَدُ مِنَ الْخَيْرِ؛ فَانْسِ فِي الْقَبْرِ وَحْشَتِي، وَ اجْعَلْ لِي عَهْدًا يَوْمَ الْقَالِكِ مَنْشُورًا.

وَ بَعْدَ لَا يَخْفَى أَنْكَه:

در مورخه دوم شهر رجب الأصم، میلاد حضرت امام علیّ النقی الهادی علیه السلام، سنه یک هزار و چهارصد و سی و پنج هجریه قمیه، علی هاجرها آلف التّحیه و الثّناء، این جانب سید محمد محسن حسینی شیعی امامی حجازی، شماره شناسنامه ۶۵۵ صادره از طهران، در نهایت صحت و سلامت و طوع و رغبت، بلاکراه و لاإجبار، تحت توجهات حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء در بلده طیبه قم، عش آل محمد و کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها، به طریق ذیل مرقوم و انشاء وصیت نمودم:

ابتدائاً در نظر داشتم که از فرزندان خود یکی را وصی و دیگرى را ناظر قرار دهم، ولی به ملاحظاتی از این تصمیم صرف نظر نمودم و وصی خویش را جناب مستطاب، سیدالعلماء الأعلام و فخرالعشیره الفخام، صدیق شفیق و سرور گرامی، حجة الإسلام و المسلمین آقای حاج سید محمدرضا میری دامت توفیقاته قرار دادم، که چنانچه دعوت حق را لبیک گفته، دار فانی را وداع و به جوار قرب و رحمت حق پیوستم، چنانچه برای بازماندگان میسور باشد و موجب عسر و حرج

نگردد، در کربلای معلی در جوار تربت مطهر حضرت آقای حداد رضوان الله علیه دفن نمایند؛ زیرا فرزند ایشان جناب آقای حاج سید عبدالأمیر تصریح به این مطلب نموده و قبری در جوار والد بزرگوارشان اهداء نمودند. و اگر تحصیل این موضوع صعب و دشوار بود، در یکی از اماکن متبرکه به نظر و صلاحدید خود دفن نمایند.

و در تغسیل و تکفین، امور مستحبه را حتی الإمكان مرعی دارند و بر مزار، ذکر مصائب آل عصمت و طهارت قرائت شود. و در تشییع، زنان شرکت نکنند، چه این از امور مستهجنه و مذمومه عندالشارع است؛ مانند هدیه نمودن دسته گل بر مزار متوفی که مع الأسف این آداب جاهلی که از ناحیه غرب به ممالک مسلمین سرایت کرده است، امروزه متداول و معمول شده است.

باری، به هیچ وجه احتیاجی به مراسم ختم و هیاهو نیست؛ بالأخص مراسمی که امروزه مرسوم است، از تعریف و تمجید متوفی و بازماندگان او و ایستادن اولیاء و اقربای میّت و خواندن اشعار و قاب و قدح گرفتن و گرفتن مجلس ختم در مسجد و مزاحمت با مؤمنین و مصلّین که تمام این امور نیز به سرایت آداب کفر در بین مسلمین رائج و دارج شده است.

بلی، آمدن به دیدن بازماندگان و قرائت قرآن کریم سنت است؛ فالسنّة تُحیی و البدعة تُمات. بدهی به کسی ندارم. نماز و روزه را حسب تکلیف انجام داده‌ام، بسته به قبول و لطف حضرت وهّاب است. حجّ و زیارت بیت الله الحرام را به جای آورده‌ام، اگر به منصّه قبول رسیده باشد.

جميع اولاد خود را توصیه می‌کنم به تلاوت قرآن مجید و تدبّر در معانی رشيقه آن فی آناء اللیل و أطراف النهار، و مطالعة احوال و احادیث سروران دین، ائمه معصومین صلوات الله و سلامه عليهم أجمعین. و تجنّب و دوری از تمدن ضالّة غریبه و بدع هاویة مهلكه و گرایش به آداب و رسوم کفر، و در عوض، تأدب به آداب اسلامیة و سنن محمدیّه، و تعلیم و تربیت اولاد و احفاد خود را به دستورات اسلامیة و محمدیّه و علویّه، و سایر ائمه راستین عليهم صلوات الله و الملائكة المقربین. و اصرار و ابرام در کسب علوم اسلامیة از قرآن و تفسیر و فقه و حدیث و حکمت متعالیه و اخلاق و عرفان حقیقیّه و قدم استوار و متین در راه عمل برای تزکیه و تهذیب اخلاق و کسب کمالات و معارف الهیّه و وصول به لقای حضرت معبود جلّ و علا و مقام فناء در ذات مقدّسش سبحانه و تقدّس، و أن يتقوا الله حقّ ثقاته و لا يموئنّ إلا و هم مسلمون.

و این فقرات از وصیّت، وصیّت است به تمام مؤمنان و دوستان و ارحام و سایر احبّه و اعزّه از محبّان و معاشران.

این حقیر، به دنبال جمع زخارف نبوده‌ام، و در طول زندگی پیوسته سعی نموده‌ام که هدف و مقصد خود را تحصیل رضای پروردگار نمایم. و احبّه و اصدقاء خود را از میان سالکان الی الله و

۱. لایخفی آنکه حقیر نسبت به محلّ دفن به جهاتی تغییر نظر داده‌ام؛ بدین صورت که اگر فوت در یکی از اماکن مقدّسه روی داد، همان جا تدفین صورت پذیرد، و در غیر این صورت به قم یا مشهدالرضا علیه صلوات الله و سلام الله علیه انجام شود. شب دوشنبه دوم ربیع الأول، قم المقدّسه، ۱۴۳۷هـ، سیدمحمدمحسن حسینی طهرانی.

رهروان حریم معبود انتخاب کنم، و از باب:

أَحِبُّ الصَّالِحِينَ وَ كَسْتُ مِنْهُمْ لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي صَاحِبًا

پیوسته به خویشان و دوستان تأکید می‌کردم که با اهل دنیا معاشرت ننمایند، و با سالکان و دوستان خدا حشر و نشر داشته باشند، شاید که به برکت مجالست با دوستانش، نظر لطفی به ما نماید و از قصورها و تقصیرهای ما درگذرد.

حقیر در طول زندگی پیوسته در پی تحصیل علم و معرفت و آثار به جای مانده از حضرات معصومین علیهم السلام بوده‌ام، لذا از مادیات و متاع دنیا چیزی نیندوخته‌ام، و مختصر اسباب و انقالی که به حسب ضرورت زندگی مشاهده می‌شود، خودبه‌خود گرد آمده است.

آنچه به نام هریک از فرزندان یا عیال است، اصولاً تعلق به حقیر نداشته و متعلق به خود آنهاست. چون اولاد ذکور در رشته علم هستند، نوشتجات و کتاب‌های حقیر - اعم از خطی و چاپی - تماماً به آنها داده می‌شود و از ثلث محسوب شود (البته مقدار زائد سهم مادرشان).

کتب حقیر دو بخش است: بخش اول کتب مرحوم والد رضوان الله علیه است که عبارت از کتبی که در مشهد است، و مقداری از کتب موجوده در قم که بر روی قفسه‌های آنها نوشته شده است. این کتاب‌ها به سه دسته قسمت شود و به هریک از اولاد، قسمی از آنها داده شود.

بخش دوم کتاب‌های خود حقیر است که به هریک به طور مساوی تقسیم گردد. البته هر کدام از آنها که مشابه آن را در کتابخانه خود داشته باشند، از سایر کتب به او داده شود.

این حقیر نزد هیچ فردی مال شخصی نداشته‌ام، و تمام اموالی که در نزد رفقا قرار داده شده است، بلااستثناء باید در اختیار وصی محترم قرار گیرد و کیفیت تصرف در آنها به اختیار وصی خواهد بود و البته رفقا در این مسئله مساعدت لازم را با وصی محترم مبذول خواهند داشت، و کلام ایشان را مورد توجه قرار خواهند داد.

اما راجع به منزل مرحوم والد قدس سره در مشهد مقدس باید عرض کنم که جز سهم دو اخوی جناب آقای حاج سید محمد صادق و آقای حاج سید علی و همشیره... سهام باقی ورثه مرحوم والد به این جانب واگذار شده است. و همان‌طور که مرحوم والد رضوان الله علیه به بنده وصیت نمودند که در آنجا حیاتاً و میتاً مراسم و جلسات اعیاد و وفیات حضرات معصومین علیهم السلام برگزار شود، و متأسفانه به عللی تعطیل گردید، بازماندگان باید سعی و تلاش خود را برای احیای این مجالس طبق همان کیفیت و خصوصیاتی که در زمان حیات مرحوم والد برگزار می‌شد، به کار ببندند و در این قضیه فقط رضای الهی را مدنظر قرار دهند، چه اینکه حقیر نیز در این قضیه پس از فوت مرحوم والد همین مطلب را وجهه اعمال و تصرفات خویش قرار داده بودم.

و اما در مورد منزل مشهد مناسب است که آن را برای خود جهت زیارت عتبه مقدسه ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه و علی آبائه و آبائنه آلاف التحية و الثناء نگه دارند و واگذار ننمایند.

و نسبت به منزل قم، حسینیه برای مجالس اعیاد و وفیات معصومین علیهم السلام و نیز شب‌های ماه مبارک رمضان به همین کیفیت و نحوه‌ای که فعلاً برگزار می‌شود، بوده باشد.

و أوصيهم أدام الله توفيقهم و تأييدهم على نظم أمورهم و التوجه إلى الله و التبتل إليه في كل الأحوال و التمسك بالعروة الوثقى و الحبل المتين: ولاء أمير المؤمنين عليه السلام.

می خواستم وصیت نامه مفصلی بنویسم که حاوی مطالب مهم اخلاقی باشد، دیدم با وجود مطالب عالی و حقایق سامیه ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در حاضرین به امام حسن مجتبی علیه السلام در وصیت نامه خود نوشته اند و در نهج البلاغه مسطور است، دیگر از بیان مکارم اخلاق و آداب، دم زدن، مایه شرمندگی است. لذا تمام اولاد خود را توصیه می کنم که این وصیت نامه را که در نهج البلاغه موجود است، و خداوند توفیق ترجمه و شرح اجمالی آن را به این حقیر عنایت نموده است، مطالعه و کراراً مورد دقت و نظر قرار دهند و آن دُرر شاهوار را آویزه گوش و هوش و الگوی عمل خود قرار دهند.

و از جدشان اخذ کنند و بر ممشا و روش آن حضرت باشند و رسول الله و وصیش را که دو پدر مهربان امت هستند اسوه خود قرار دهند و به مقام حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها متمسک و متشبث گردند و از معنویت و روحانیت آن کانون قدس و طهارت و عصمت، بهره مند گردند.

من از همه اولاد خود راضی هستم، چون همه در رشته تقوا و معرفت و فضیلت اند؛ خداوند از آنها راضی باشد. کمال رعایت آداب و مساعدت را به مادرشان بنمایند، چون حق حیات در تعلیم و تربیت ایشان دارد.

در مسیر زندگی فقط و فقط تحصیل رضای خدا را در نظر داشته باشید و بدانید تا زمانی که فرد کاملاً و صددرصد مطیع و متقاد امیال نفسانی و شهوانی مردم نگردد، از او راضی نخواهند شد؛ پس در مسیر زندگی محکم و پایدار بایستید و از حرف و طعنه و تهدید و تطمیع اشخاص نهراسید، اگرچه موجب پاره ای از گرفتاری ها و مشقات گردد، صبر و تحمل نمایید و بدانید که این دوروزه دنیا گذراست و ما سرا و عالمی بی انتها در پیش روی داریم. و صد البته که از افراط و تفریط پرهیز نمایید و مراعات سعه و جودی و خصوصیات شخصی افراد لحاظ گردد. ﴿إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾.

در توسل و توکل به صاحب ولایت کبری حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه لحظه ای درنگ ننمایید، و مجالس عزای سید و سالار شهیدان را رونق ببخشید، و حداقل ماهی یک بار در منازل خود به ذکر مصیبت و اقامه مجلس عزای حضرات معصومین علیهم السلام اقدام نمایید.

باری، نیاز به تذکر و تنبه ندارد که بر شما باد به مودت و محبت و انس و ارتباط مستمر و گرم در بین خود، و از تشمت و تفرقه پرهیزید.

و گهگاهی روح مرا به فاتحه شاد کنید.

و يَبْقَى الخَطُّ فِي البِقْرِ طَاسٍ دَهْرًا و كَاتِبُهُ أُسَيْرٌ فِي التَّرَابِ

کتابه بیمناه الدائرة، الراجی رحمة ربه الغنی، الفقیر إلى الله: السید محمد محسن الحسینی الطهرانی، ابن السید محمد الحسین، ابن السید محمد الصادق، ابن السید ابراهیم، ابن السید علی الأصغر بن المیر ابراهیم بن المیر طاهر الطهرانی الأصل من سادات درکه، من أحفاد الإمامزاده السید محمد ولی

المدفون بدركة و هو من أحفاد الإمام الهمام سيد العابدين علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليهم السلام.

اولئك آبائي فجنني بمثلهم إذا جمعتنا يا جريز المجمع
في بلدة قم، صاتها الله من الحدان، في صبيحة يوم الرابع من رجب الأصم، سنة ألف و أربعائة
و خمس و ثلاثون من الهجرة.

السيد محمد محسن الحسيني الطهراني

دعوات روح رابعه سئد . و سعي النظر في القراطيس دم أده تبه أسي في الرابع
تبه بيناه الأثره الأجر رحمة تبه النظر الفقير إلى الله : السيد محمد محسن الحسيني الطهراني
السيد محمد الحسين بن السيد محمد الصادق بن السيد إبراهيم بن السيد علي الأصغر بن المير إبراهيم
بن المير طاهر الطهراني الأصل من سادات دوله من أحفاد الأئمه السئد مدني
المدنون بدرله، وهو من أحفاد الامام الهمام سيد العابدين علي بن الحسين
بن علي بن ابي طالب عليهم السلام (أولئك آبائهم فجنني بمثلهم إذا جمعتنا يا جريز المجمع)
في بلدة قم صاتها الله من الحدان في صبيحة يوم الرابع من رجب الأصم سنة ألف
و أربعائة و خمس و ثلاثون من الهجرة

السيد محمد محسن الحسيني الطهراني